

## تفسیر أنوار ثقلین

### فصلنامه بِنَات

تفسیر أنوار ثقلین یک تفسیر تربیتی است که جلد اول آن در بهار سال ۱۳۹۱ توسط انتشارات اکرام در سه هزار نسخه در حدود سیصد صفحه به زیور طبع آراسته شده است، مؤلف این اثر آقای رضا محققیان گورتانی است. هدف این تفسیر بیان ارتباط قرآن و أهل بیت (ع) است. در این اثر ابتدا تا صفحه ۷۰ مقدمه تفسیر و شیوه‌های ارتباط با عترت تبیین و سپس به تفسیر سوره حمد پرداخته شده است. مؤلف محترم مدعی است که تک تک آیات و سوره‌های قرآن با أهل بیت (ع) ارتباط دارند. زیرا پیامبر اکرم (ص) بارها در حدیث ثقلین و احادیث دیگر عدم افتراق بین قرآن و عترت را بیان نمودند: «وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا»<sup>۱</sup>. و نیز فرمود: «عَلَىٰ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَهُ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَىٰ الْحَوْضِ»<sup>۲</sup>.

نقطه شروع یک تفسیر شیعی باید حدیث مبارک ثقلین باشد زیرا طبق این حدیث برای نجات از ضلالت و گمراهی باید به قرآن و عترت هر دو با هم تمسک بجوئیم. در این حدیث هر یک از کتاب و عترت را ثقل نامیده زیرا اخذ به آن دو و عمل به آن‌ها سنگین و ثقیل است هر چیز با ارزش و اهمیت را نیز ثقل می‌گویند. آن دو را ثقلین فرمود؛ از جهت اهمیت و ارزش آن‌ها. ثقیل بودن قرآن و أهل بیت (ع) از خود قرآن هم استفاده می‌شود. در ابتدای سوره مزمل آمده است «فَمِ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا نِصْفَهُ أَوْ انْقُصَ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلْ

الْقُرْآنَ تَرْبِيًّا إِنَّا سَأَلْنَاكَ عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» (المزمل، ۷۳/۵-۲)؛ «به پا خیز شب را مگر اندکی، نیمی از شب یا اندکی از آن بگاه، یا بر آن بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان. ما به زودی بر تو گفتاری گرانبار القا می کنیم». آن گفتار گرانبار اعلام ولایت امیر المؤمنین بود که به دنبال آن چنین فرمود: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» (المائدة، ۶۷/۵)؛ «ای فرستاده [خدا]! آنچه را از طرف پروردگارت به سوی تو فرود آمده، برسان و اگر انجام ندهی، پس پیام او را نرسانده ای و خدا تو را از [گزند] مردم حفظ می کند».

متاسفانه مفسران قرآن چندین قرن سرگرم ترجمه و تبیین ألفاظ قرآن بودند در این مدت کتاب های با ارزشی مثل مفردات راغب و کتاب های متشابه القرآن نوشته شد. مدتی هم محور کار آنان تفسیر روایی قرآن بود که تقریباً در یک زمان واحد تفاسیری نظیر تفسیر نورالثقلین و تفسیر البرهان نوشته شد. و برای مدتی هم این روش تفسیری رونق داشته است. در قرون اخیر مقداری به محتوای آیات پرداخته شده و سپس بحث تفسیر موضوعی قرآن و تفسیر قرآن به قرآن مطرح شده است. اما این مطلب مهم که قرآن با اهل بیت (ع) چه ارتباطی دارد که پیامبر (ص) فرموده است: «قرآن از عترت جدا نمی شود». و نیز فرموده است: «علی با قرآن است و قرآن با علی است و از هم جدا نمی شوند». این محور کار مفسرین نبوده است و این کار را ما نباید توقع داشته باشیم که اهل تسنن انجام بدهند هر چند در روش های قبلی تفاسیر خوبی توسط بزرگان از علمای شیعه و نیز توسط اهل تسنن نوشته شده است. این سبک تفسیر، که ما به دنبال آن هستیم یک سبک جدید و نسبتاً دشواری است و همت بلند می طلبد که این کار انجام شود.

در مقدمه این تفسیر آمده است که هر سوره ای از سوره های قرآن یک هدفی را دنبال می کند. هدف هر سوره را باید از آیات اول آن استخراج نمود؛ زیرا آیات اول هر سوره همانند یک مقدمه و یک فهرست مجملی است که با اشاره مطالب سوره را تبیین می کند بعد از این مقدمه و فهرست مجمل مطالب سوره به تفصیل بیان می شود و بر اساس هدف سوره مطالب سوره مانند دانه های تسبیح با هم منظم و مرتبط می شوند در پایان سوره باز دوباره نتیجه نهایی و آن هدفی که سوره داشته تبیین می شود. هدفی که یک سوره دارد و به دنبال این هدف است اهل بیت (ع) نیز همان هدف را دارند و به دنبال تحقق همان هدف

هستند. پس در هدف هر دو اشتراک دارند و افتراق ندارند. و به لحاظ آن هدف در مقدماتی که برای رسیدن به آن هدف استفاده می کنند نیز مشترک هستند و در هر سوره به نقش اساسی اهل بیت (ع) در مورد به ثمر رسیدن هدف آن سوره و محور بودن آنان برای رسیدن به آن هدف اشاره شده است. و در نهایت هدف آن سوره توسط اهل بیت (ع) در جامعه اسلامی به ثمر نشسته و نتیجه می دهد. برای تبیین عدم افتراق باید در ابتدا با تدبیر هدف هر سوره را استخراج کنیم و آیات مهم آن سوره را نیز مد نظر قرار دهیم و در روایاتی که در تفسیر آن سوره وارد شده است دقت کنیم و آیاتی که در این سوره در رابطه با اهل بیت (ع) است را با کمک روایاتی که در تفسیر این آیات وارد شده بررسی کنیم تا اجتماع و ارتباط اهل بیت (ع) با قرآن روشن شود.

راه دوم برای بیان ارتباط قرآن با اهل بیت (ع) مراجعه به روایاتی است که این نحوه ارتباط را تبیین می کند. در کتاب «الکافی» ابوبصیر با سند صحیح از امام باقر (ع) این طور نقل نموده که: «قرآن بر چهار بخش نازل شده است، یک چهارم آن در باره ما و یک چهارم در باره دشمنان ما و یک چهارم سنن و امثال و یک چهارم فرائض و احکام است». در برخی از روایات دارد که قرآن به سه قسمت نازل شده است. اصبغ بن نباته گوید: از حضرت علی (ع) شنیدم که می فرمود: «قرآن بر سه قسمت نازل شده: یک سوم آن درباره ما و دشمنان ما و یک سوم واجبات و احکام و یک سوم سنن و امثال است».<sup>۳</sup>

آن ثلث یا دو ربع دیگر نیز با عترت ارتباط شدید دارد و در مقدمه این تفسیر به بیان این ارتباط پرداخته شده است. در مواردی نیز ارتباط قرآن با عترت به لحاظ جریان قرآن در زمان آینده و اختصاص نداشتن آن به زمان نزول قرآن اشاره شده است مثلاً سوره نصر که حکایت از فتح مکه و سپس حکایت از ایمان آوردن مردم بعد از فتح مکه می کند و می فرماید: «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» (النصر، ۲/۱۱۰)؛ «و مردم را می بینی در حالی که گروه گروه در دین خدا وارد می شوند». و سپس تکلیف پیامبر اکرم (ص) را مشخص نموده که خدا را تسبیح بگوید و مجرمان مکه را عفو کند: «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا» (النصر، ۳/۱۱۰). این سوره و تمام مطالب آن هنگام ظهور امام زمان (ع) و غلبه ایشان بر کفار جهان جریان دارد و در آن زمان مردم فوج فوج مسلمان می شوند «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (الصف، ۹/۶۱)؛

«او کسی است که فرستاده اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند، و گر چه مشرکان ناخشنود باشند». سپس حضرت به دستور قرآن در همین آیات سوره نصر به تسبیح خدا و عفو عمومی همانند عفو پیامبر (ص) از مردم مکه می پردازد. در این مقدمه به انحاء مختلف ارتباط قصص انبیاء و وقایع گذشتگان با عترت پرداخته شده است یک نمونه را اینجا اشاره می کنیم: این که قصه سامری و هارون (ع) در قرآن بیان می شود و پیامبر (ص) می فرماید: «ای علی! تو نسبت به من به منزله هارون هستی فقط بعد از من پیامبری نیست»<sup>۴</sup>. برای این نکته است که چطور امت موسی (ع) به سراغ سامری و گوساله او رفتند و هارون (ع) را رها کردند همین مطلب بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) برای امت او اتفاق می افتد که حضرت امیر (ع) را رها می کنند و به سراغ دیگری می روند که تفصیل آن را انشاء الله در جریان قصه حضرت موسی (ع) و هارون (ع) بیان می کنیم.

در این تفسیر به انحاء مختلف ارتباط آیات الأحکام با عترت نیز اشاره شده است. یک نمونه را اینجا بیان می کنیم: غالباً آیات الأحکام با خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» شروع می شود. در روایات متعددی وارد شده که هر کجا «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» ذکر شده است حضرت علی بن ابیطالب (ع) رأس آن و امیر آن است و در واقع مقصود این است که ای کسانی که ایمان آورده اید به خدا و به پیامبر (ص) و ولایت امامان معصوم (ع) و ای کسانی که امیر المؤمنین (ع) امیر شما است مقتضای این ایمانی که آورده اید این است که به این دستور عمل کنید این یک جهت است و یک جهت دیگر این است که او چون امیر بر مؤمنان است پس اجرا کننده این دستور الهی در جامعه در واقع امیر المؤمنین (ع) است او می تواند این دستورات را در جامعه به نحو احسن به مرحله اجرا و عمل برساند. وقتی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» و نیز «الَّذِينَ آمَنُوا» هر کجای قرآن آمده مربوط به اهل بیت (ع) و محبان و شیعیان آنان باشد و هر کجا «الَّذِينَ كَفَرُوا» در قرآن وارد شده مراد کافر به خدا و رسول (ص) و امیر المؤمنین (ع) و امامان معصوم (ع) است.

شیوه این تفسیر چنین است که ابتدا یک آیه و ترجمه آن بیان شده و سپس با عنوان گزیده، خلاصه تفسیر آیه بیان شده است سپس به بیان ارتباط آیه با هدف سوره و آیات قبل و بعد پرداخته است و سپس به تفسیر آیه می پردازد و اگر آیه طولانی باشد تفسیر هر قسمت آیه را با عنوان مستقل از دیگر قسمت ها جدا نموده ایم تا مراجعه به آن آسان باشد

و سپس در پایان آیه با عنوان ارتباط این آیه یا مثلاً ارتباط آیه هفتم با عترت، به بیان وجوه مختلف ارتباط آیه با عترت پرداخته ایم.

در ادامه جلد اول به تفسیر سوره حمد پرداخته شده و گفته شده در سوره حمد هم وقتی دقت می کنیم می بینیم این سوره با کلمه حمد شروع شده و در ادامه آیات صحبت از نعمتی است که خدا داده است «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» (الحمد، ۱/۷)؛ نعمت و حمد با هم هستند. پس معلوم می شود در این سوره می خواهیم خدا را برای نعمتی شکر کنیم و لذا حتماً باید این سوره در نماز خوانده شود چون اصل نماز و هدف از نماز تشکر از خدا است. حال این نعمت کدام نعمت است به روایاتی که در تفسیر سوره حمد وارد شده مراجعه می کنیم می بینیم آن نعمت که باید به خاطر آن همیشه در نماز و غیر نماز شکر گزار باشیم، نعمت ولایت امیر المؤمنین (ع) است، تقریباً جزء اول قرآن در چهار جلد به اتمام رسیده است. در این تفسیر بعد از بیان هر آیه و ترجمه آن با این عناوین روبرو می شویم: گزیده، ارتباط آیه با هدف سوره و آیات قبل، تفسیر آیه و در نهایت، ارتباط آیه با اهل بیت (ع) امیدواریم خداوند مؤلف را در تکمیل این اثر توفیق عنایت کند.

در جلد دوم در حدود ۵۰ صفحه به مباحث مقدماتی ارتباط سوره بقره با عترت پرداخته است و ارتباط این سوره که بزرگ ترین سوره قرآن است را با عترت بیان نموده است و خلاصه آن چنین است هدف سوره بقره هدایت متقین است: «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (البقره، ۲/۲) با توجه به این که سوره بقره اولین سوره ای است که در مدینه در سال اول و دوم هجری نازل شده و در این زمان مهم ترین مقصود پیامبر هدایت نمودن مردم بوده است به خصوص هدایت اهل مدینه و اهل کتاب که در مدینه و حوالی آن ساکن بودند. لذا در این سوره برای تشویق مردم به ایمان، ویژگی های افرادی که هدایت را می پذیرند، موضوع هدایت، شرایط پذیرش هدایت، موانع آن، هادیان و خصوصیات آنان بیان شده است. این هدف از جهات متعددی با اهل بیت (ع) مرتبط است که عبارتند از:

**الف: اهل بیت (ع) هادیان امت:** براساس آیات این سوره هادیان و رسولان از طرف خدا منصوب می شوند و برای آنها در سوره بقره شرایطی مثل: انتصاب از جانب خدا، علم و عصمت بیان شده است این شرایط فقط در اهل بیت (ع) وجود دارد؛ زیرا آنان از طرف خدا منصوب شده اند و آنان معصوم از خطا می باشند.

ب: مقصد هدایت: ماهیت هدایت نوعی حرکت به سوی مقصد است در نتیجه از ارکان هدایت سالک، صراط، مبدء و مقصد است. لذا در سوره حمد آیه ششم می‌گوییم: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» ما را به سوی صراط مستقیم راهنمایی کن. براساس آیات قرآن و روایات، اهل بیت (ع) مصداق صراط مستقیم هستند و مبدء صراط، رحمت رحیمیه الهی است و در ابتدا و انتهای صراط پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) حضور دارند چون آنان مصداق رحمت رحمانیه و رحمت رحیمیه هستند.

ج: موضوع هدایت: در آیه سوم و چهارم این سوره متعلق هدایت را بیان می‌کند که عبارت است از هدایت به ایمان به خدا، پیامبر، غیب، روز قیامت و ایمان به هر آنچه خدا بر پیامبر اکرم (ص) و پیامبران گذشته نازل نموده است. ایمان به غیب چنانچه در روایات آمده است شامل ایمان به امام غایب (ع) نیز می‌شود. و ایمان به هر آن چه خدا نازل نموده است؛ شامل ایمان به ولایت، امامت امامان معصوم (ع) می‌شود و ایمان به امامت آنان در کتاب های انبیای گذشته نیز نازل شده است. چنانچه مطابق آیه ۲۸۵ وظیفه داریم اجمالا به انبیای گذشته و جانشینان آنان ایمان بیاوریم: «لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ» (البقره، ۲/۲۸۵)؛ «میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم». امت های گذشته نیز وظیفه داشتند اجمالا به پیامبران بعدی خصوصا پیامبر اکرم (ص) و اوصیای او ایمان بیاورند.

د: شیعیان اهل بیت (ع) هدایت یافته گان: در برخی از روایات امیر المؤمنین (ع) و شیعیان او مصداق متقین و هدایت یافته گان در جمله «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (البقره، ۲/۲)، معرفی شده اند. این روایات را بعدا ذکر می‌کنیم. نتیجه این که قرآن که خود کتاب هدایت است مردم را به سوی امامان معصوم (ع) هدایت می‌کند و سر مطلب هم آن است که در روایات فراوانی آمده است که منظور از «صِرَاطَ الْمُسْتَقِيمِ» در قرآن اهل بیت (ع) است در نتیجه قرآن هدایت می‌کند متقین را به سوی «صِرَاطَ الْمُسْتَقِيمِ» که امامان معصوم (ع) باشند.

۱. بحار الأنوار، ۴۲۲/۳۱.

۳. الکافی، ۶۲۷/۲، ۶۲۸.

۲. همان، ۲۰۶/۳۲.

۴. الکافی، ۱۰۶/۸.